

Studying the Effectiveness of Skill Training; The Study of Female Trainees of Technical and Vocational Centers in Nayin

Mohsen Shakeri^{1*}, Reza Pourbaferani², Seyed Alireza Hoshi-Alsadat³

- 1. Corresponding author: Department of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran*
- 2. M.Sc. in Human Resources Development, Department of Psychology, Imam Javad Higher Education Institution, Yazd, Iran*
- 3. Ph.D. in Educational Administration, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran*

(Received: June 15, 2020; Accepted: May 16, 2021)

Abstract

The present article sought to study the effectiveness of skill training of female trainees of Nain technical and vocational center based on grounded theory. Study data were collected through purposeful theoretical interviews with 14 trainees, managers and instructors of Nain Technical and Vocational Center until theoretical saturation. Data were analyzed by "coding" and "categorization" in three levels of open, axial and selective coding. To determine the validity of the data, the "simulation" method was used in the form of adaptation strategies by the participants and the review of qualitative research experts. The results showed that the "core category" included "the status, importance and quality of women's skills". Also, "causal conditions" include the challenge of planning, attention to role of women in society, attention to the interest, motivation and morale of women and the professionalism of coaches; "contextual conditions" include facilities, equipment and technology, structure and management of technical training, finance of skills training, family environment and economy, and rules and regulations; "Environmental conditions" include cultural, social, political, policy-making, and economic factors; "Strategies" include publicity and awareness, communication and leveraging domestic and international experience, counseling and guidance and talent search, family and government support; consequences included individual and organizational development, women's employment and entrepreneurship, the well-being of the family and society, and the promotion of women's social status.

Keywords: Effectiveness study, Grounded Theory, Technical and vocational education, Women's skills training.

مطالعه اثربخشی آموزش‌های مهارتی؛ مورد مطالعه کارآموزان زن مراکز فنی حرفه‌ای نائین

محسن شاکری^{۱*}، رضا پوربافرانی^۲، سیدعلیرضا هوشی‌السادات^۳

۱. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران
۲. کارشناسی ارشد بهسازی منابع انسانی، گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران
۳. دکترای مدیریت آموزشی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶)

چکیده

مقاله حاضر در پی مطالعه اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نائین بر اساس نظریه داده‌بنیاد بود. داده‌های مطالعه از طریق مصاحبه هدفمند نظری با ۱۴ نفر از کارآموزان، مدیران و مربیان مرکز فنی و حرفه‌ای نائین تا رسیدن به اشباع نظری گردآوری شد. داده‌ها به شیوه «کدگذاری» و «مقوله‌بندی» در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. برای تعیین اعتبار داده‌ها، از روش «سه‌سوسازی» در قالب راهبردهای تطبیق توسط شرکت‌کنندگان و بررسی متخصصان پژوهش کیفی استفاده شد. نتایج نشان داد «پدیده محوری» شامل «جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان» بود. همچنین، «شرایط علی» شامل چالش آمایش و برنامه‌ریزی، توجه به سهم و نقش زنان در جامعه، توجه به علاقه، انگیزه و روحیات زنان و حرفه‌مندی مربیان؛ «ویژگی‌های زمینه‌ای» شامل امکانات و تجهیزات و تکنولوژی، ساختار و مدیریت آموزش‌های فنی، مالیه آموزش‌های مهارتی، محیط و اقتصاد خانواده، و قوانین و مقررات؛ «شرایط مداخله‌گر محیطی» شامل عوامل محیط فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، سیاست‌گذاری، و اقتصادی؛ «راهبردها» شامل تبلیغات و آگاه‌سازی، ارتباطات و بهره‌گیری از تجارب داخلی و بین‌المللی، مشاوره و راهنمایی و استعدادیابی، حمایت خانواده و دولت؛ و پیامدها بیان‌کننده توسعه فردی و سازمانی، اشتغال و کارآفرینی زنان، رفاه خانواده و جامعه، و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان بود.

واژگان کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای، مطالعه اثربخشی، مهارت‌آموزی زنان، نظریه داده‌بنیاد.

مقدمه

تحقیقات در کشورهای مختلف نشان داده است که آموزش و کارآموزی نیروی انسانی هم موجب رشد و توسعه اقتصادی در سطح کلان شده و هم زمینه کسب درآمد بیشتر و نرخ اشتغال و بهره‌وری بالاتر را فراهم می‌کند (لیارو و جوزف^۱، ۲۰۱۹). آموزش و کارآموزی فرد را برای احراز شغل، پیشه و کسب و کار آماده می‌کند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش می‌دهد. همچنین، ابزار مهمی برای بهبود پویایی، انطباق‌پذیری و بهره‌وری نیروی کار است، به همین دلیل در افزایش توان رقابت بنگاه‌های اقتصادی، صنعتی و تولیدی نقش داشته و زمینه کاهش عدم توازن در بازار کار را فراهم می‌کند (خالدی و رفعتی، ۱۳۹۱).

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان از دوره‌های متوسطه در آموزش و پرورش آغاز می‌شود، زیرا هدف اصلی حرفه‌آموزی در بیشتر کشورهای اشتغال‌زایی و کارآفرینی است. ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بخش صنعت به عنوان یک عامل موفقیت در بیشتر کشورها قابل مشاهده است. برای مثال در مالزی آموزش‌های مهندسی برای بیشتر زنان در دوره‌های فنی و حرفه‌ای تدارک دیده شده است تا دیدگاه‌های مثبتی برای حضور زنان در اینگونه مشاغل ایجاد شود (سلیمان^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). در کشورهای موفق مانند آلمان، ونزوئلا، چین، ایتالیا و هلند نیز در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان، به جای تأکید بر دانش حرفه‌ای به مهارت‌های حرفه‌ای تأکید می‌شود. بر اساس مطالعات تطبیقی در اینگونه کشورها در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس نیازهای مهارتی زنان اقدام به ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شود (سپه‌پناه و همکاران، ۱۳۹۴).

به‌کارگیری رویکردی نظام‌مند در امکان ایجاد رشته‌های آموزش فنی و حرفه‌ای جدید مبتنی بر فناوری‌های نو، این اطمینان را به همراه دارد که رشته‌های آموزشی جدید و تمهیدات پشتیبانی مورد نیاز به طور مستمر در چارچوبی مؤثر و کارآمد توسعه می‌یابد (احمدی و آتشک، ۱۳۹۱). پایین بودن سطح مهارت‌ها، طرفداران آموزش‌های حرفه‌ای و آموزش‌های کلاسیک را به نوعی به تقابل کشانیده است و سرعت تغییرات فناوری و انتظار بازار کار نسبت به نیروی ماهر و به تبع آن تشدید ضرورت

1. Leyaro & Joseph
2. Sulaiman

آموزش‌های حرفه‌ای در قالب آموزش‌های حین کار، به شدت این تقابل دامن زده است، به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (به ویژه کشورهای آسیایی) انتخاب بین آموزش‌های عمومی و حرفه‌ای به عنوان یک تصمیم دشوار قلمداد می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۳).

آماده‌سازی زنان برای بازار کار یکی از مسئولیت‌های کلیدی نظام آموزشی کشورهاست (فoster و بل^۱، ۲۰۱۸). بر همین مبنا تربیت، آموزش و مهارت‌آموزی نیروی انسانی متخصص زنان و استفاده بهینه از آن در مرکز توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است (خواجه شکوهی، عباسی و خوش‌فر، ۱۳۹۱). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان راه حلی کارآمد برای کاهش بیکاری زنان مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. یکی از سرمایه‌های هر جامعه سرمایه انسانی است و توانمندسازی زنان درون این چارچوب مفهومی معنا و اهمیت می‌یابد. یکی از جنبه‌های مثبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دوره‌های کارآموزی برای زنان، تحرک اجتماعی و کاهش بیکاری و ارتقای کیفیت زندگی است (کرمی دهکردی و بابایی، ۱۳۹۶؛ گل و ویجای^۲، ۲۰۱۷).

نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان ابزار مهمی برای تربیت و افزایش کارایی و بهره‌وری نیروهای انسانی به منظور زمینه‌سازی اصلاحات و توسعه اقتصادی، می‌تواند از اولویت‌های اصلی نظام آموزشی کشور باشد (خلاق، ۱۳۹۱). بر اساس توصیه یونسکو، همه کشورهای نیازمند به یک خط‌مشی منسجم آموزشی هستند؛ به نحوی که در آن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان یک بخش اساسی از این سیستم یکپارچه دیده شده باشد.

جابرالله و اقبال حسین^۳ (۲۰۱۹) آموزش فنی و حرفه‌ای را در مالزی به عنوان رویکردی منسجم و هدفمند مبتنی بر یادگیری حل مسئله محور می‌دانند که دانشجویان این مراکز را در عملکرد بهتر آینده شغلی‌شان کمک و یاری می‌کند. از جمله چالش‌هایی که کشورهای مختلف مانند ایران و سایر کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند، بیکاری فزاینده است. در حالی که این نوع آموزش‌های

1. Forster & Bol

2. Goel & Vijay

3. Jabarullah & Iqbal Hussain

مرتبط شغلی و فنی و حرفه‌ای می‌تواند به این امر کمک کند و موجبات رشد اقتصادی و توسعه را فراهم آورد (ایوب^۱، ۲۰۱۷؛ یوسف و سایمی^۲، ۲۰۱۲). در این زمینه تقویت نگرش‌ها و باورها به تأثیرگذاری این نوع آموزش‌ها به خصوص برای جمعیت زنان می‌تواند مفید باشد و مشارکت بیشتر این قشر را در اینگونه فعالیت‌ها و برنامه‌های فنی و حرفه‌ای و آموزشی تقویت کند (اوجیمبا^۳، ۲۰۱۲). تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای زنان فرایند توانمندسازی و توسعه اجتماعی و اقتصادی را تسهیل می‌کند. این آموزش‌ها سبب می‌شود زنان نقش‌های عاملان تغییر، رهبری، تصمیم‌گیری و مشارکت عادلانه را برای خود قائل شوند و پی بگیرند و تمرین کنند که در تأمین شغل‌های آینده برای ایشان در اثر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فراهم می‌شود (گاربوja و پاسا^۴، ۲۰۱۶).

در حالی که از جمله مشکلات مطروحه در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای به ویژه در ایران مشخص نبودن الگوی توسعه کشور و در نتیجه نامشخص بودن جهت‌گیری مناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور است (ربیعی و خادمی ورنامخواستی، ۱۳۹۳). نبود این جهت‌گیری مناسب سبب شده است تا فاصله زیادی میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی با نیازهای بازار کار ایجاد شود و اثربخشی اینگونه آموزش‌ها در بخش‌های مختلف حرفه‌ای و اقتصادی کشور زیر سؤال رود و ضرورت بازنگری و ایجاد یک وحدت رویه و نقشه راه معتبر را ایجاد کند. همچنین، وضع سیاست‌های جدید و خط‌مشی‌گذاری در حوزه آموزش‌های مهارتی و اداره کل و حرفه‌ای ایجاب می‌کند تا نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی مناسب، شرایط محیطی و راهبردهای اجرایی و پیامدها در این حوزه مشخص شود (عطارنیا و همکاران، ۱۳۹۳).

در پژوهش حاضر مسئله اصلی این است که با توجه به متن برنامه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی دوره متوسطه زنان و مراحل آموزشی بعد از آن در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، چه چالش‌ها و مسائلی برای این نظام متصور است و برای بهبود جنبه‌های مختلف این آموزش‌ها باید بر چه مؤلفه‌ها

-
1. Ayub
 2. Yusuff & Soyemi
 3. Ojimba
 4. Garbuja & Pasa

و ویژگی‌هایی تأکید داشت (نویدی و برزگر، ۱۳۹۱). به عبارتی، الگوها و استراتژی‌های کارآفرینی در حوزه زنان و اشتغال ایشان در جهت برون‌رفت و حل مسائل و مشکلاتی که حوزه مهارت‌آموزی زنان با آن درگیر است، باید چه جهت‌گیری‌ها و مسیری را با توجه به مؤلفه‌های مذکور در پیش گیرد. بنابراین، بر این مبنا، هدف اصلی این پژوهش طراحی الگوی اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نایین است که در این راستا پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. پدیده محوری در الگوی اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نایین چیست؟
۲. شرایط علی‌ایجادکننده پدیده محوری در الگوی اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز اداره کل و حرفه‌ای نایین کدامند؟
۳. راهبردهای دستیابی به اثربخشی در آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نایین کدامند؟
۴. شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر راهبردهای دستیابی به اثربخشی در آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نایین کدامند؟
۵. شرایط مداخله‌گر محیطی اثرگذار بر راهبردهای دستیابی به اثربخشی در آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نایین کدامند؟
۶. پیامدهای حاصل از راهبردهای دستیابی به اثربخشی در آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نایین کدامند؟

پیشینه پژوهش

در ادامه، خلاصه‌ای از نتایج این تحقیقات در این حوزه بیان شده است. نوغانی دخت بهمنی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با بررسی وضعیت شغلی زنان خانه‌دار ده مرکز اقامتی در شهر مشهد با استفاده از روش کیفی مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد بر لزوم همزمانی

آموزش‌های مهارتی شغلی و مهارت‌های عمومی زندگی تأکید ورزیدند. دویچر و ویتتر^۱ (۲۰۱۸) در پژوهش خود دریافتند عملکرد کارآموزان در آزمون دانش و توانایی حرفه‌ای، در طی آموزش‌های حرفه‌ای به طور معناداری بهبود می‌یابد و این سبب می‌شود کارآموزان صلاحیت کار در یک حوزه مشخص را کسب کنند. هارل^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش فقر در مناطق روستایی و یا کمتر توسعه‌یافته پرداخته است. او تفاوت‌های جنسیتی را در این بین مورد تحقیق قرار داده و بیان می‌دارد که در آموزش‌های توسعه مهارتی، کمتر به نیازهای خاص زنان توجه می‌شود و این کم‌توجهی در تدارک و پشتیبانی آموزش‌ها، روش‌شناسی، محتوای آموزش و انتقال به بازار کار تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش وو و هو^۳ (۲۰۱۵) نشان داد دانش‌آموزان دبیرستان‌های آموزش فنی نگرش مثبتی نسبت به مهارت‌آموزی داشتند، در حالی که انگیزش مهارت‌آموزی آنان قوی نبود. بیشتر دانش‌آموزان دبیرستان‌های آموزش فنی از برنامه‌های درسی آموزش‌های فنی رضایت داشتند. دانش‌آموزان دبیرستان‌های آموزش فنی از سطح نسبتاً بالایی در خودشناسی حرفه‌ای برخوردار بودند. نگرش‌های مهارت‌آموزان و رضایت‌مندی آنان از برنامه درسی به طور معناداری پیش‌بینی‌کننده خودشناسی حرفه‌ای آنان بودند. سپه‌پناه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شاخص اشتغال در بخش صنعت پس از گذراندن دوره‌های مهارتی و کسب شغل به ۲۷/۳۳ درصد رسیده است. همچنین، مشخص شد که ۶۸/۲۹ درصد از مشاغل کسب‌شده پس از دوره، ارتباط کامل با دوره مهارتی داشته است. افزون بر این، مشخص شد که ۲۵ درصد از مهارت‌آموختگان پس از دوره در گروه مهارت‌آموختگان کارجو و ۲۲/۶۶ درصد در گروه مهارت‌آموخته غیر کارجو قرار می‌گیرند. سلیمی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موفق شده‌اند که نقش نسبتاً موفقی در پرورش نیروی کار ماهر یا همان تولید سرمایه انسانی و تربیت نیروی انسانی خوداشتغال و کارآفرین داشته باشند و می‌توانند به عنوان یک ابزار و راهکار اصلی در جهت تولید، توسعه و بهسازی سرمایه انسانی نقش اساسی داشته باشد. البته نتایج نشان می‌دهد در خصوص مواردی چون بازنگری برنامه‌های درسی و کیفیت

1. Deutscher & Winther

2. Hartl

3. Wu & Hu

آموزش‌های موجود، نیاز به دقت و عمل بیشتری هست. همچنین، در صورت در اختیار گذاردن منابع مالی و سرمایه‌ای، فارغ‌التحصیلان توانایی بیشتری برای حرکت به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی خواهد داشت. یافته‌های پژوهش ربیعی و خادمی و برنامه‌خواستی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد موانع سازمانی با رتبه ۲/۶۶ بیشترین مانع کارآفرینی و موانع فردی با رتبه ۱/۲۴ کمترین مانع در میان مهارت‌آموختگان دوره‌های فنی و حرفه‌ای است. پاندی^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش‌شان به بررسی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر زنان روستایی در مناطق کشاورزی و ایجاد ارزش افزوده در این آموزش‌های حرفه‌ای پرداختند. نتایج نشان داد که این آموزش‌های حرفه‌ای کوتاه‌مدت، موجب افزایش دانش و انطباق‌پذیری مؤثر در زنان شاغل در مزارع کشاورزی شده و ارزش افزوده ایشان را افزایش داده است. خالدی و رفعتی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مقایسه اثربخشی آموزش‌های رسمی و غیر رسمی گویای آن است که در حالت کلی آموزش‌های غیر رسمی (مراکز فنی و حرفه‌ای) نسبت به آموزش‌های رسمی از نظر تأثیر و توانمندی شغلی و افزایش مهارت شاغلین مزیت دارند. کاووسی (۱۳۸۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ۱۷/۴ درصد از گروه نمونه فنی و حرفه‌ای و ۱۵ درصد از گروه نمونه کار و دانش در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال دارند و به طور کلی پسران بیشتر از دختران در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال دارند. همچنین، نتایج نشان داد بخشی از مشکلات اشتغال فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای به محدودیت‌های بازار کار و قسمتی به چگونگی برنامه‌های آموزشی مربوط می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهند عوامل زیادی مبین اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هستند. نیازسنجی، ارتباط با صنعت، کیفیت آموزش‌ها، تأمین و تخصیص منابع مالی، مدرسان و ویژگی‌های آن‌ها، برنامه‌های درسی، ساختار سازمانی، قوانین و مقررات و غیره از جمله عوامل شناسایی شده‌اند. این عوامل به لحاظ پژوهشی دارای اعتبار هستند؛ ولی چند نکته را باید مورد توجه قرار داد؛ نخست، هر یک از تحقیقات از روش‌شناسی‌های مختلفی بهره گرفته‌اند؛ دوم، موقعیت‌ها و جوامع هدف این تحقیقات متفاوت بوده است؛ نکته دیگر اینکه عوامل شناسایی شده بسیار پراکنده و وابسته به اقتضات زمانی، مکانی و موقعیتی بوده‌اند. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که اعتبار این عوامل مستقل

از زمینه نبوده‌اند که مبین شکاف اصلی در ادبیات موجود است. این امر کاربردپذیری نتایج تحقیقات را در موقعیت‌های متفاوت از زمینه مورد بررسی دچار مشکل می‌کند. بنابراین، تحقیق حاضر در حد توان خود با کاربرد روش‌شناسی مناسب-نظریه داده‌بنیاد- برای مطالعه اثربخشی آموزش‌های مهارتی زنان در جامعه ایران به طور عام و در شهر نائین به طور خاص و متناسب با موقعیت و زمینه فرهنگی آن تلاش کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

به دلیل وجود پژوهش‌های محدود و عدم تعیین مفاهیم شکل‌گرفته برای اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن و دستیابی به توصیف عمیق از تجارب، ادراکات و نگرش‌های کارآموزان، مربیان و مدیران فنی و حرفه‌ای نائین در جهت تبیین ابعاد توسعه‌ای و شرایط حاکم و پیامدهای آن از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن، با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. به طوری که این نظریه در یک سطح وسیع یک فرایند، یک عمل یا یک تعامل را تبیین می‌کند. این روش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد که به جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به تدوین نظریه از طریق تحلیل مقایسه‌ای مشاهدات اقدام کنند و از آنجا که این نظریه برخاسته از داده‌هاست، متناسب با موقعیت مورد مطالعه است و تبیین بهتری از نظریه‌های موجود برای موقعیت نامعین فراهم می‌آورد (بازرگان، ۱۳۸۷). با توجه به انواع شیوه‌های انجام پژوهش نظریه‌مبنایی (سیستماتیک، نوحاسته و سازاگرا) پژوهشگران ممکن است هریک از شیوه‌ها را به کار برند. در این پژوهش از شیوه سیستماتیک استفاده شده است. جامعه پژوهش را کلیه کارآموزان، مربیان و مدیران سازمان فنی و حرفه‌ای نائین تشکیل می‌دادند. مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر شامل ۱۴ نفر از کارآموزان، مربیان و مدیران سازمان فنی و حرفه‌ای نائین بودند که برمبنای منطق تکرار (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۶) و در جهت ساخت نظریه به شکل هدف‌مند انتخاب شدند که با عنوان نمونه‌گیری نظری (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵). از آن یاد می‌شود و تا آنجا ادامه

می‌یابد که اشباع^۱ در اطلاعات گردآوری شده، حاصل شود. در فرایند گردآوری اطلاعات به تدریج مفاهیم و گزاره‌ها در این خصوص انباشته می‌شدند تا اینکه از مصاحبه دهم جمع‌بندی و بررسی گزاره‌ها، به مقوله اصلی «جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان» رهنمون شد؛ بعد از آن نیز سعی شد تا سؤالات بعدی در حول و حوش آن تنظیم و ادامه یابند. در مصاحبه دوازدهم اشباع نظری داده‌ها تا حدودی محرز شده بود؛ ولی جهت اطمینان از این موضوع و پرکردن حفره‌های مفهومی مدل، مصاحبه‌ها تا مصاحبه چهاردهم هم تداوم یافت. برای جلوگیری از سوگیری ابزار نیمه‌ساخت‌مندی با ۱۲ سؤال حول محور ابعاد، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن، عوامل مؤثر بر اثربخشی و نیز راهبردهای دستیابی به اثربخشی در قالب ویژگی‌ها و الزامات، افراد و گروه‌های درگیر، موانع و عوامل تسهیل‌گر دستیابی به اثربخشی، تغییرات ایجاد شده و موارد مشابه مطرح شد که محتوا، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و محیطی و نیز پیامدهای اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن را استخراج می‌کند. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۶۰ تا ۱۲۰ دقیقه و به صورت حضوری بود که موارد مطرح شده به شکل صوتی ضبط و بعد از آن پیاده‌سازی شد. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، یعنی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش (کرسول و میلر^۲، ۲۰۰۰). از راهبردهای تطبیق توسط اعضا^۳، بررسی همکار^۴ و مشارکتی بودن و انعکاس‌پذیری پژوهشگر استفاده شد که در طی آن‌ها برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز داشتند؛ چند تن از اساتید علوم تربیتی، به بررسی یافته‌ها و اظهار نظر درباره آن‌ها پرداختند؛ به طور همزمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد و با توجه به پیشینه، محقق در حوزه علوم تربیتی، سعی شد تا با تکیه بر پرسیدن سؤالات باز و نیز کدگذاری با ذهن باز و با توجه به مسئله اصلی پژوهش در قالب مدل نظام‌مند استراوس و کوربین به پیش رود تا در حد امکان از سوگیری‌ها احتراز شود.

-
1. Saturate
 2. Creswell & Miller
 3. Member Checking
 4. Peer Examination

یافته‌های پژوهش

در تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها با استفاده از تکنیک‌های تحلیلی استراوس و کوربین (۱۳۹۵) مفاهیم به‌عنوان واحد تحلیل در سطوح متن کل مصاحبه، پاراگراف، عبارت و جملات مورد توجه قرار گرفتند و با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. از طریق کدگذاری باز، ۸۶۰ مفهوم به دست آمد که با طبقه‌بندی این مفاهیم ۳۴ مقوله فرعی شکل گرفتند و در مرحله کدگذاری محوری حول ۲۲ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند (جدول ۱).

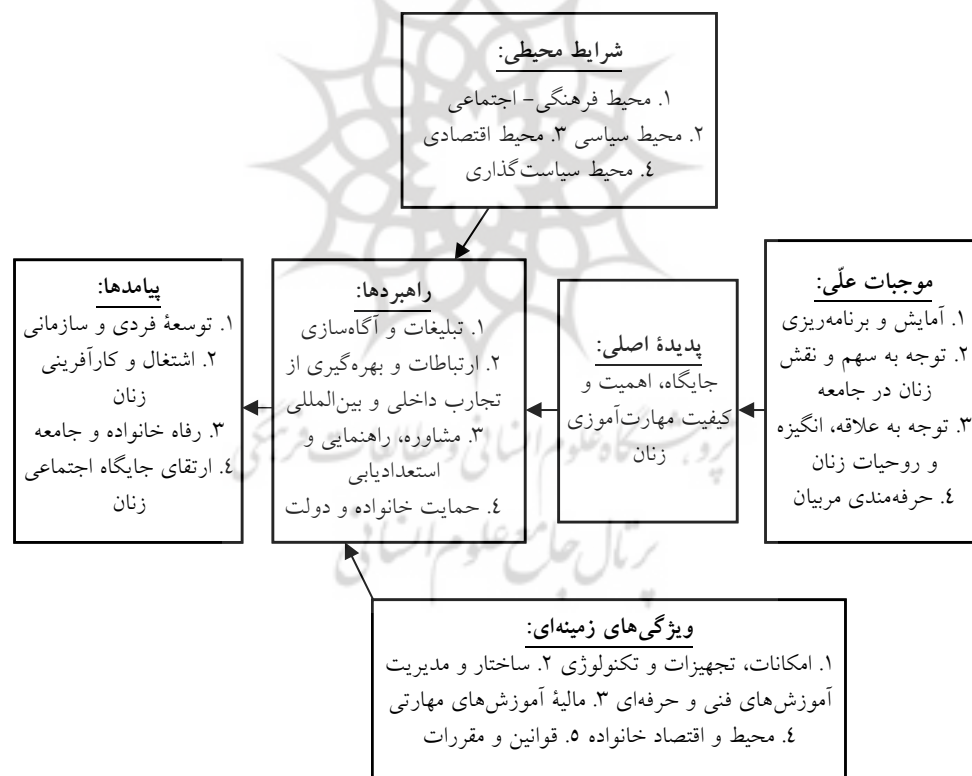
جدول ۱. کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی

ابعاد مدل پارادایمی	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
مقوله محوری	جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان	جایگاه و اهمیت مهارت‌آموزی زنان	پی‌بردن به اهمیت موضوع آموزش و مهارت‌آموزی زنان، حقیرشمردن آموزش‌های مهارتی در برابر آموزش‌های نظری و تحصیلات آکادمیک دانشگاهی، جایگزین کردن نگاه هزینه‌ای به مهارت‌آموزی به سرمایه‌گذاری
		کیفیت مهارت‌آموزی زنان	در نظر گرفتن دوره‌های کوتاه‌مدت با کارایی بالاتر، آموزش‌های متناسب با ساختار روحی و بدنی زنان، تقلیل نقش آموزش‌ها به پرکردن اوقات فراغت، آموزش دقیق و کاربردی برای زنان، عدم تدوین استانداردهای آموزشی کاربردی
موجبات علی	آمایش و برنامه‌ریزی	آمایش سرزمینی	عدم توجه به آموزش‌های مورد نیاز هر شهر و منطقه متناسب با فرهنگ و نیازهای آن، عدم بسترهای مورد نیاز متناسب با هر منطقه یا شهر، ایجاد آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای بیشتر متناسب با محیط شهری
		برنامه‌ریزی	عدم هدف‌گذاری و تعیین خط‌مشی، عدم وجود برنامه آموزشی در شیفت عصر، ضرورت تشکیل کلاس‌ها در ساعات غیر کاری، برنامه‌ریزی ساختاری در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
	توجه به سهم و نقش زنان در جامعه	توجه به سهم و نقش زنان در جامعه	سهم جمعیتی بالای زنان، نقش مهم زنان در تولید و کارآفرینی، عدم توجه به نقش اقتصادی زنان در توسعه پایدار، عدم توجه به تسهیل شرایط مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سهم زنان در نیروی کار
	توجه به علاقه و انگیزه و روحیات زنان	توجه به علاقه و انگیزه و روحیات زنان	مهارت‌آموزی با علاقه و میل باطنی، توجه به علاقه و انگیزه افراد به ادامه‌دادن دوره‌ها، بازماندن از آموزش مورد علاقه، ریسک‌گریز بودن، نداشتن اعتماد به نفس لازم
	حرفه‌مندی مربیان	حرفه‌مندی مربیان	عدم ارتباط مربی آموزشی با کارآموزان، استفاده از مربیان باتجربه در صنعت، پایین بودن انگیزش مربیان در نظام‌های آموزش مهارت

ابعاد مدل پارادایمی	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	
راهِبردها	تبلیغات و آگاه‌سازی	تبلیغات و آگاه‌سازی	انجام تبلیغات از طریق رسانه‌ها، آگاه‌سازی جامعه در خصوص لزوم مهارت‌آموزی بانوان، تبلیغ اشتغال‌های خانگی از طرف رسانه‌ها، استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی	
		ارتباطات و بهره‌گیری از تجارب داخلی و بین‌المللی	ارتباطات	برقراری ارتباط با سایر مراکز و اساتید، ارتباط ضعیف بین نظام‌های آموزش مهارت زنان و جامعه، برقراری ارتباط با مراکز بین‌المللی و داخلی ارائه‌دهنده آموزش‌های مشابه
			بهره‌گیری از تجارب داخلی	معرفی الگوی موفق در سطح شهرستان‌های دیگر، الگوبردن زنان روستایی و عشایر، استفاده از تجربیات مراکز دیگر
	مشاوره، راهنمایی و استعدادیابی	بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی	برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد مریدان زن با سایر مریدان همجنس توانا در سایر کشورها، بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی، مطالعه تجربیات موفق جهانی	
		مشاوره، راهنمایی و استعدادیابی	عدم مشاوره مورد نیاز برای ایجاد شغل بعد از اتمام دوره، مشاوره به کارآموزان زن قبل از برگزاری دوره و حین و بعد از اتمام دوره، استفاده از مشاوره تحصیلی و شغلی	
	حمایت خانواده و دولت	حمایت خانواده	استعدادیابی	شناسایی استعدادها با قوه و نهان زنان در بخش اشتغال، حرفه‌آموزی متناسب با علاقه و استعدادها، عدم توجه به توانایی‌ها و استعدادها، مهارتی زنان، بهادادن بیشتر به علائق و استعدادها، دانش‌آموزان از همان مقطع ابتدایی
			حمایت دولت	عدم حمایت خانواده‌ها، حمایت خانواده از کار تیمی زنان، لزوم حمایت دولت از تولیدکنندگان زن، در نظر گرفتن تسهیلات و اعتبارات ویژه جهت دوره‌های هزینه‌بر، کمک به راه‌اندازی کسب و کار، ایجاد بازار فروش محصولات از طرف دولت
		حمایت خانواده و دولت	حمایت خانواده	عدم حمایت خانواده‌ها، حمایت خانواده از کار تیمی زنان، لزوم حمایت دولت از تولیدکنندگان زن، در نظر گرفتن تسهیلات و اعتبارات ویژه جهت دوره‌های هزینه‌بر، کمک به راه‌اندازی کسب و کار، ایجاد بازار فروش محصولات از طرف دولت
	ویژگی‌های زمینه‌ای	امکانات، تجهیزات و تکنولوژی	امکانات و تجهیزات	به‌روزرسانی تجهیزات آموزشی، مشکل تأمین مواد مصرفی و تجهیزات، عدم فراهم‌بودن زیرساخت‌های مورد نیاز با توجه به جنسیت، عدم وجود امکانات مورد نیاز بسته به نوع آموزش‌ها و مخاطبان در هر شهر یا شهرستان
			تکنولوژی	عقب‌ماندگی از تکنولوژی روز، نیاز به افرادی آگاه به علم روز و آشنا به تکنولوژی
ساختار و مدیریت و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای		ساختار آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	آسیب بعد ساختاری، عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه‌کننده آموزش، منعطف‌نبودن ساختار موجود آموزش‌های مهارتی	
		مدیریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	مدیریت‌های ناکارآمد، قائم به فرد بودن مدیریت نظام آموزش مهارت، عدم آشنایی مدیران سازمان‌های آموزش مهارت با دانش‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	
مالیه آموزش‌های مهارتی		مالیه آموزش‌های مهارتی	کمبود بودجه جهت تهیه وسایل اولیه برای دوره‌های هزینه‌بر، اختصاص اعتبار لازم جهت به‌روزرسانی تجهیزات آموزشی کارگاه‌ها، گنجانیدن اعتبارات مورد نیاز و اختصاص دادن بودجه‌های سالیانه به مراکز آموزشی	

ابعاد مدل پارادایمی	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
	محیط و اقتصاد خانواده	محیط خانواده	از کار افتادگی همسر، اعتیاد و بیکاری همسر، بدسرپرست بودن، درگیر بودن با مشکلات خانوادگی
		اقتصاد خانواده	نداشتن پشتوانه مالی زنان، شرایط اقتصادی کارآموزان، عدم تأمین مالی هزینه‌ها توسط خانواده
	قوانین و مقررات	قوانین و مقررات	قوانین سختگیرانه از سوی مراکز، قانون‌مندی شفاف در بحث بیمه زنان مهارت‌آموز، برداشتن قانون الزام جذب و نگهداشت کارآموزان، وجود قوانین سستی و دیوان‌سالارانه
شرایط محیطی	محیط فرهنگی - اجتماعی	محیط فرهنگی - اجتماعی	مدرک‌گرایی، رشد روزافزون حضور زنان در دانشگاه‌ها بدون داشتن تخصص و مهارت لازم، آماده‌شدن محیط جامعه برای پذیرش فرهنگ کار و مهارت‌آموزی
	محیط سیاسی	محیط سیاسی	توجه به محیط‌های سیاسی خصوصاً در محیط‌های کوچک، سیاسی‌کاری دولتمردان، دخالت قدرت سیاسیون در توسعه کمی آموزش‌های مهارتی
	محیط اقتصادی	محیط اقتصادی	جامعه توسعه‌نیافته، سهم پایین اشتغال در بخش صنعت، سیاست‌های اقتصادی جامعه، واردات بی‌رویه اجناس بی‌کیفیت و ارزان‌قیمت خارجی
	سیاست‌گذاری	محیط سیاست‌گذاری	توجه سیاست‌گذاران به آموزش‌های مهارتی زنان، گسترش رشته‌های کار و دانش و رشته‌های فنی بیشتر جهت آموزش دختران دانش‌آموز، سیاست‌گذاری و هدفمند نمودن سند جامع نظام آموزش مهارت
پیامدها	توسعه فردی و سازمانی	توسعه فردی	استفاده بیشتر از استعدادها بالقوه نیمی از جمعیت جامعه، رفع برخی مشکلات روحی از قبیل افسردگی و احساس عدم کارایی، خودارتقای، تکمیل مهارت‌های شخصی
		توسعه سازمانی	کارآمدی سازمان، افزایش و ارتقای بهره‌وری سازمان‌ها، ارتقای عملکرد و رضایت شغلی در سازمان‌ها
	اشتغال و کارآفرینی زنان	اشتغال زنان	فراهم‌سازی زمینه‌های اشتغال، داشتن مهارت کافی برای شغل جایگزین، منجر شدن آموزش‌ها به اشتغال
		کارآفرینی زنان	فراهم‌کردن زمینه‌های کارآفرینی، کارآفرینی زنان روستایی، فعالیت زنان به عنوان کارآفرین و عنصر فعال جامعه
	رفاه خانواده و جامعه	رفاه خانواده	افزایش سطح درآمد خانواده، افزایش هوش مالی فرزندان، بالا بردن رفاه خانواده‌ها
		رفاه جامعه	افزایش سطح درآمد جامعه، گرایش به سمت خودکفایی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، اثرگذاری اشتغال زنان در دستیابی به توسعه پایدار، حل مشکلات اقتصادی قشر آسیب‌پذیر و کم‌درآمد، کمک به اقتصاد کشور
	ارتقای جایگاه اجتماعی زنان	ارتقای جایگاه اجتماعی زنان	ارتقای شأن اجتماعی زنان، امکان مطرح‌شدن در جامعه به عنوان فرد مولد و تأثیرگذار، بروز توانمندی‌های زنان در جامعه، نقش پررنگ اجتماعی زنان مهارت‌آموز

در طول فرایند کدگذاری انتخابی و فرایند تلفیق برای یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه، متن مصاحبه‌های انجام شده چندین بار بررسی شد و بعد از مشخص شدن مقوله مرکزی (پدیده اصلی) و استفاده از آن برای نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارات و ایده‌هایی که بیان‌کننده روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بود مورد توجه قرار گرفت. بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و مدل پارادیمی اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن شکل گرفت. در نهایت، مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد شش‌گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد، به صورت موجبات علی (۴ مقوله)، مقوله اصلی (جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان)، راهبرد (۴ مقوله)، شرایط محیطی (۴ مقوله)، ویژگی‌های زمینه‌ای (۵ مقوله) و پیامد (۴ مقوله)، جای گرفتند (شکل ۱).



شکل ۱. مدل پارادایمی اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی و حرفه‌ای نایین

ملاحظه می‌شود که در این مدل کانون توجه اطلاع‌رسانان (مقوله کانونی) پدیده اصلی؛ یعنی جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان است. پدیده اصلی عبارت از مقوله‌ای است که به ما می‌گوید «چه چیزی در جریان است؟». اطلاع‌رسانان این پدیده را از طریق موجبات علی آن توضیح می‌دادند و می‌خواستند بیان کنند که چه موجباتی در فرایند شکل‌گیری این پدیده تأثیر دارند و این فرایند در کدام زمینه و با چه ویژگی‌هایی و در چه شرایط محیطی صورت می‌گیرد و چه مداخلات و راهبردهایی می‌توانند در این فرایند اثر گذارند (فراستخواه، ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر «جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان» مقوله‌ای است که همه عوامل و تأثیرات در جهت توصیف آن حرکت می‌کنند. این مقوله عبارت از درجه‌ای است که کارآموزان، مربیان و مدیران مرکز فنی و حرفه‌ای نائین، این آموزش‌ها را اثربخش می‌دانند. چگونگی اکتشاف مقوله اصلی را می‌توان به چندین نقل قول از مصاحبه‌شوندگان ارجاع داد. یکی از مطلعان کلیدی، این‌گونه این مفهوم را می‌رساند: «نسل امروز بی‌شک آینده‌ساز فردای کشور است دانش سیال امروز توسعه فراگیر تکنولوژی و تغییرات سریع در عرصه علم و فناوری در جهان نیازمند مهارت‌افزایی افراد است، با تشکیل جلسات مشاوره باید افراد و زنان را در خصوص اهمیت مهارت‌آموزی آگاه کرد تا مهارت‌آموزی و مهارت‌افزایی نقش مؤثری توسط افراد بالاخص زنان جامعه ایفا کنند و امید به زندگی و نشاط اجتماعی افزایش یابد». همچنین یکی دیگر از مطلعین کلیدی در این ارتباط چنین اظهار می‌کند که: «در جامعه شهری ما کمتر به فعالیت مهارتی و فنی زنان جهت تأمین زندگی اهمیت داده می‌شود و زنان را بیشتر در محیط خانه و انجام امور مربوط به خانه‌داری محدود می‌نمایند. در جامعه کنونی امروز هر چند ادعای برابری دو جنس در حقوق اجتماعی و انسانی به نحو فراگیری در حال پذیرش است بین پذیرش عقلانی آن و اجرای آن در عمل فاصله بسیار موجود است».

بحث و نتیجه‌گیری

موجبات علی

موجبات علی شامل عواملی است که به طور مستقیم به پدیده اصلی جایگاه، اهمیت و کیفیت

مهارت‌آموزی زنان منجر می‌شوند. موجبات علی‌خود از چهار مقوله اصلی: ۱. آمایش و برنامه‌ریزی، ۲. توجه به سهم و نقش زنان در جامعه، ۳. توجه به علاقه و انگیزه و روحیات زنان و ۴. حرفه‌مندی مربیان، تشکیل یافته است.

آمایش و برنامه‌ریزی: آمایش و برنامه‌ریزی یکی از عوامل مؤثر در ایجاد مقوله جایگاه و اهمیت مهارت‌آموزی، و کارآمدی و کیفیت دوره‌ها است. مفهوم آمایش سرزمین؛ ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است، که در ارتباط با انسان «مدیریت» مطرح است در ارتباط با فضا «اقلیم» مطرح است و در ارتباط با فعالیت مقوله «برنامه و برنامه‌ریزی» برجسته می‌شود (خنیفر، ۱۳۸۹). هدف اساسی از مدیریت و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ظرفیت‌های آشکار و پنهان با توجه به تحولات و دگرگونی‌های زمان و نیازها است، که عمدتاً با دیدی درازمدت و به‌منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات آن و همچنین، هویدا کردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه براساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن به‌طور هماهنگ با دیگر مناطق است (نسل سراجی و همکاران، ۱۳۹۶). مطلعان کلیدی درباره آن اینگونه بیان می‌کنند: «در مقوله نیازسنجی و طراحی دوره‌های آموزشی، مهارت‌هایی را باید برنامه‌ریزی کرد که با نیازهای بومی و منطقه‌ای مطابقت داشته باشد و مشاغل محلی و بومی باید مبنای طراحی دوره‌های آموزشی قرار گیرد که این آموزش‌ها در منطقه و محله بومی به اشتغال موجود در منطقه کمک کند که متأسفانه در اینجا این به این مسئله توجه نمی‌شود». یکی دیگر از مطلعان کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده است: «بعضی از دوره‌های آموزشی صرفاً عرضه‌محور می‌باشند و بدون توجه به نیاز بازارکار و عدم هماهنگی محتوای دوره با نیازهای روز بازارکار ارائه می‌شود. اجرای دوره‌های آموزشی بدون توجه به نیاز افراد جامعه طراحی می‌شود بنابراین، اصل مهم آن است که با نیازسنجی از افراد جامعه و بازارکار، دوره‌های آموزشی برنامه‌ریزی و طراحی شود».

توجه به سهم و نقش زنان در جامعه: در جامعه‌ای که سهم و نقش زنان در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی نادیده گرفته شود، نمی‌توان انتظار داشت که آموزش‌های مهارتی برای زنان از جایگاه و اهمیت لازم برخوردار باشد. در ارتباط با این مقوله، مطلعان کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده‌اند

که: «نگرش خانواده به نقش زنان در خانواده به این صورت است که صرفاً زن مسئولیت خانه‌داری را دارد و کارکردن و اشتغال زن را عیب می‌دانند».

توجه به علاقه و انگیزه و روحیات زنان: توجه به علاقه و انگیزه در تحقیقات مورد توجه است به طوری که تشویق انگیزه‌های درونی، محیط مناسب یادگیری حرفه و طراحی مجدد نظام حرفه‌ای زنان و برنامه‌ریزی برای آن در تحقیقات مورد توجه است (لو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). در آموزش‌های مهارتی برای زنان باید علاقه، انگیزه و روحیات آنان به منظور اثربخشی آموزش‌ها در اولویت سیاست‌گذاران قرار گیرد. مطلعان کلیدی درباره آن این‌گونه بیان کردند: «در طراحی برنامه‌های آموزشی علایق زنان هر منطقه را مدنظر قرار نمی‌گیرد. برخی از آموزش‌هایی که در این مرکز ارائه می‌شود متناسب با روحیات زنانه نمی‌باشد و صرفاً جنبه درآمدزایی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است».

حرفه‌مندی مربیان: نیازهای بازارکار همراه با تغییرات محیط دچار تغییر می‌شوند و این نیازهای جدید، مستلزم آن است که مربیان به طور مستمر از آموزش‌های به‌روز برخوردار شوند. مطلعان کلیدی درباره آن این‌گونه بیان می‌کنند: «با توجه به رشد علم و تکنولوژی و پیشرفت‌های روزافزون مسائل فنی، به‌روزرودن مربیان آموزش یکی از ضروریاتی است که عدم توجه به آن فرایند آموزش را دچار اشکال خواهد کرد بنابراین توسعه علمی مربیان و به‌روزرودن آن‌ها در راستای تربیت نیروی انسانی ماهر یکی از عوامل مهمی است که مرکز فنی و حرفه‌ای باید برای کیفیت‌بخشی به آموزش‌ها آن را مورد توجه ویژه قرار دهد».

راهبردها

مطابق با نظر استراوس و کوربین راهبردها، اعمال، تعاملات و کنش‌هایی هستند که در طرز عمل عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل به کار می‌رود. این‌ها رفتارهایی هستند که مردم، سازمان‌ها و جوامع انجام می‌دهند یا می‌گویند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵). در این پژوهش چهار دسته راهبرد اساسی شامل: ۱. تبلیغات و آگاه‌سازی، ۲. ارتباطات و

بهره‌گیری از تجارب داخلی و بین‌المللی، ۳. مشاوره، راهنمایی و استعدادیابی، ۴. حمایت خانواده و دولت، برای انجام مداخله شناسایی شد.

تبلیغات و آگاه‌سازی: یکی از راهبردهای دستیابی به اثربخشی آموزش‌ها، استفاده از ابزار رسانه‌ای برای تبلیغات و آگاه‌سازی جامعه نسبت جایگاه و اهمیت این آموزش‌ها و اصلاح نگرش به نقش زن است. مطلعین کلیدی درباره آن این‌گونه بیان می‌کنند: «از رسانه‌های گروهی و افراد تأثیرگذار در جامعه مانند ائمه جمعه انتظار می‌رود به نقش مهارت‌آموزی در زندگی اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی افراد بپردازند و دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای از طرف رسانه‌ها و فضای مجازی اطلاع‌رسانی گردد». یکی دیگر از مطلعین کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده است: «در جلسات آموزش خانواده به خانواده‌ها در جهت ترویج فرهنگ مهارت و نقش آن در کیفیت زندگی اقتصادی و اجتماعی افراد پرداخته شود و دانش‌آموزان دختر جهت بازدید از کارگاه‌های آموزشی ترغیب شوند».

ارتباطات و بهره‌گیری از تجارب داخلی و بین‌المللی: دستیابی به اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بدون تعامل با بازار کار و سایر محیط‌های علمی مرتبط محقق نخواهد شد. سازمان فنی و حرفه‌ای مانند سایر مؤسسات آموزش عالی باید با بخش‌های مختلف خصوصاً صنعت در ارتباط باشد. به هر حال، همکاری‌های دوجانبه این دو نهاد فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که هر یک از آنها به تنهایی قادر به انجام دادن آنها نیستند (شفیعی و آراسته، ۱۳۸۳). مطلعان کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده‌اند: «توجه به ارتباطات درون‌سازمانی و بهره‌گیری از تجارب مربیان در سطح سازمان و ارتباطات برون‌سازمانی در جهت بهره‌مندی از پتانسیل سایر ادارات در جهت تبیین نقش مهارت بر کیفیت زندگی زنان در خانواده‌ها از ضرورت‌های این حوزه می‌باشد».

مشاوره، راهنمایی و استعدادیابی: پیش‌بینی منابع انسانی و توجه به تفاوت‌های فردی و هدایت آنها به سمت شکوفایی در راستای تأمین نیروی انسانی کاری بسیار سخت بوده و هماهنگی زیادی را می‌طلبد. برای مثال چگونگی شخصیت افراد در سازگاری شغلی آنها تأثیرگذار است. برخی مشاغل برای افراد سربه‌زیر و ساکت مناسب است. در حالی که برخی دیگر برای افراد برون‌گرا و سازگار مناسب به نظر می‌رسد (علی‌آبادی، ۱۳۹۲). مطلعان کلیدی درباره آن اینگونه بیان می‌کنند:

«با توجه به عدم شناخت کافی کارآموزان از دوره‌های آموزشی و اشتغال مورد نیاز بازار کار واحدی که بتواند با فعالیت‌های مشاوره‌ای نسبت به شناخت علایق و استعداد کارآموزان اقدام کند و با انجام مشاوره، آن‌ها را به سمت دوره‌های آموزشی متناسب با استعداد آن‌ها هدایت کند لازم و ضروری به نظر می‌رسد».

حمایت خانواده و دولت: حمایت دولت و خانواده می‌تواند در دستیابی به اثربخشی این آموزش‌ها نقش مهمی ایفا کند. مطلعان کلیدی در مورد آن اینگونه بیان می‌کنند: «در خصوص مهارت‌آموزی زنان با توجه به نگرش بعضی خانواده‌ها که زن فقط یک خانه‌دار است از نظر خانواده مورد حمایت قرار نمی‌گیرد و انگیزه زنان را کاهش خواهد داد». یکی دیگر از مطلعان کلیدی معتقد است: «با توجه به هزینه‌بر بودن دوره‌های آموزشی و ضعیف بودن بنیه مالی خانواده دولت نیز حمایت لازم در این زمینه را نمی‌کند».

ویژگی‌های زمینه‌ای

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان متأثر از بسترهایی هست که در نهایت اثرات آن در راهبردها و پیامدها ظاهر خواهد شد. در مطالعه حاضر ویژگی‌های زمینه‌ای در قالب پنج مقوله: ۱. امکانات و تجهیزات و تکنولوژی، ۲. ساختار و مدیریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۳. مالیه آموزش‌های مهارتی، ۴. محیط و اقتصاد خانواده، ۵. قوانین و مقررات شناسایی شدند.

امکانات و تجهیزات و تکنولوژی: امروزه برخورداری از تکنولوژی و تجهیزات آموزشی، بسیاری از مسائل و مشکلات آموزشی را رفع کرده است. بر این اساس، برخورداری و بهره‌گیری از تکنولوژی و تجهیزات در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به طور عام و آموزش‌های مهارتی زنان به طور خاص بستری مناسب برای یادگیری فراهم می‌کند. مطلعان کلیدی در این زمینه چنین می‌گویند: «یکی از ابعاد تأثیرگذاری مهارت‌آموزی در عرصه اشتغال و در نتیجه کارآمدی دوره‌های آموزشی، برخورداری از تجهیزات به‌روز است. اگر تجهیزات به‌روز در کارگاه‌ها وجود نداشته باشد، دیگر ابعاد آموزش را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و مربی بدون تجهیزات نمی‌تواند فرایند آموزش را به سرانجام برساند».

ساختار و مدیریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: ساختار سازمانی باید به گونه‌ای باشد که دو کار مهم انجام دهد. آن ساختار باید دربارهٔ مسئولیت‌ها چارچوبی را ارائه دهد، همچنین، باید بتواند بین ارکان اصلی سازمان ارتباط برقرار کند و سازمان را به صورت مجموعه‌ای منسجم و واحد در آورد که همهٔ فعالیت‌های درون آن هماهنگ باشد (دفت، ۱۳۸۶). مطلعان کلیدی دربارهٔ آن چنین اظهار داشته‌اند: «ساختار مدیریت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید دارای انعطاف کافی باشد و آمادگی لازم را جهت تغییر با توجه شرایط بازارکار و با توجه به شرایط بازار کار و حرف و صنایع داشته باشد، بر روابط افقی در ساختار مراکز فنی و حرفه‌ای به جای روابط عمودی تأکید کند، سازمان نباید قائم به فرد باشد، یعنی با جابه‌جایی مدیر سازمان، محیط سازمان فعالیت خود را به نحو احسن انجام دهد و در راستای پیشبرد اهداف سازمان باشد».

مالیه آموزش‌های مهارتی: راه‌های متعددی را می‌توان تعیین نمود که از طریق آن، منابع میان برخوردارشنندگان خدمات آموزشی و عرضه کنندگان خدمات آموزشی اختصاص می‌یابد (نادری، ۱۳۸۳). مطلعین کلیدی در مورد آن چنین می‌گویند: «از آنجا که آموزش فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های عمومی پرهزینه‌تر می‌باشند، لذا دولت‌ها از نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه این آموزش‌ها برخوردارند. مرکز آموزشی زمانی می‌تواند به اهداف خود نایل آید که بتواند اعتبارات مورد نیاز برای مواد مصرفی، تجهیزات و تعمیرات را فراهم آورد و بتواند با تجهیزات به روز دوره‌های آموزشی را موثر و ثمربخش برگزار نماید».

محیط و اقتصاد خانواده: بدون مشارکت و ایفای نقش صحیح اعضای خانواده و همکاری آنان و فراهم ساختن محیطی مناسب برای یادگیری کارآموزان، حل مسائل و مشکلات یادگیری آنان با دشواری‌های فراوان مواجه خواهد شد. مطلعین کلیدی دربارهٔ آن چنین اظهار داشته‌اند: «محیط خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده و همکاری اعضای خانواده می‌تواند کارآموزان زن را در فراگیری در یادگیری بهتر مهارت‌های فنی و حرفه‌ای کمک کند و رغبت و انگیزهٔ خاصی برای ادامهٔ دوره‌های آموزشی منجر به اشتغال را برای آنان فراهم نماید». یکی دیگر از مطلعان کلیدی دربارهٔ آن چنین اظهار کرده است: «در خانوارهایی که زن به عنوان سرپرست خانوار می‌باشد مسئولیت زندگی بر دوش زن می‌باشد و علاوه بر وظیفهٔ مادری وظایف پدر را نیز انجام می‌دهد».

قوانین و مقررات: یکی از مهمترین بسترهای اثربخشی در حوزه آموزش‌های مهارتی زنان، قوانین و مقررات این حوزه است. اصلاح قوانین و مقررات متناسب با اقتضائات روز می‌تواند در بهبود اثربخشی این حوزه نقش مهمی ایفا کند. مطلعین کلیدی درباره آن اینگونه بیان می‌کنند: «بعضی از مقررات مربوط به دوره‌های آموزشی، در عمل از انگیزه کارآموزان برای ادامه دوره می‌کاهد و مرکز از انعطاف‌پذیری در زمینه قوانین و مقررات برخوردار نمی‌باشد».

شرایط محیطی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد علاوه بر شرایطی که به طور مستقیم راهبردها را متأثر می‌کند، عواملی وجود دارند که در ارتباط با این شرایط بوده و تداوم یا عدم تداوم آن را موجب می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵). این شرایط را شرایط محیطی می‌دانند. در مطالعه حاضر شرایط محیطی از چهار مقوله اصلی: ۱. محیط فرهنگی اجتماعی، ۲. محیط سیاسی، ۳. محیط سیاست‌گذاری، ۴. محیط اقتصادی، تشکیل شده است.

محیط فرهنگی-اجتماعی: فرهنگ مهمترین سطح شرایط محیطی را تشکیل می‌دهد (فراستخواه، ۱۳۸۷). در جوامعی که فرهنگ مهارت‌آموزی به‌خوبی شکل گرفته باشد، مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای خود را موظف می‌دانند که نسبت به نیازهای ذینفعان مسئول و پاسخگو باشند. مطلعین کلیدی در این مورد این‌گونه اظهار می‌کنند: «با توجه به مدل‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه و تفاوت‌های بنیادین در روش‌های آموزش کشورها، در ابتدا لازم است در جهت بومی‌سازی سیستم آموزش دوگانه فنی و حرفه‌ای همراه با کار در ایران و انطباق آموزش‌ها با شرایط موجود کشور تلاش گردد تا در جهت حل مشکل بیکاری و ارتقای سطح مهارت نیروی کار بتوان گام‌های مؤثری را برداشت».

محیط سیاسی: در جوامعی مانند ایران که دولت به دلایل تاریخی و ساختاری نقش مهمی در شکل‌گیری شرایط محیطی دارد، ویژگی‌های ساختی- کارکردی دولت می‌تواند در فرایند مهارت‌آموزی تأثیر مثبت یا منفی بگذارد (فراستخواه، ۱۳۸۷). مطلعین کلیدی در این مورد این‌گونه اظهار می‌کنند: «دولت می‌تواند با پاداش سیاسی بابت تأثیر مثبت اقتصادی و اجتماعی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نقش مؤثری در جهت برطرف کردن نیازهای بازار کار ایفا نماید».

محیط سیاست‌گذاری: سیاست‌گذاری آموزشی یکی از نخستین فعالیت‌های سیاست‌گذاری در حیطه اداره امور عمومی توسط دولت‌هاست، زیرا مبدأ جامعه‌پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست‌ها به شمار می‌رود (نیازآذری، اسماعیلی شاد و ربیعی دولابی، ۱۳۹۵). مطلعین کلیدی درباره آن این‌گونه بیان می‌کنند: «عدم سیاست‌گذاری سازمان جهت بسترسازی مناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مطابق با بازار کار و روشن‌نبودن راهبرد تحقیقاتی درازمدت برای سازمان از جمله موانع درون‌سازمانی هستند.»

محیط اقتصادی: در یک اقتصاد توسعه‌یافته صنعت رشد خواهد کرد. در نتیجه، مشاغل صنعتی افزایش می‌یابد و به دنبال آن بازار کار برای نیروی انسانی در این بخش افزایش خواهد یافت. مطلعین کلیدی درباره آن چنین اظهار داشته‌اند: «همان‌طور که در قبل بیان کردم اقتصاد لازمه بی‌چون و چرای به حرکت درآوردن نظام آموزش مهارتی است و بدون شک تا زمانی که دغدغه کارآموز هزینه‌های دوره باشد. این روال ادامه دارد.»

پیامدها

مطابق با مدل پارادایمی استراوس و کوربین (۱۳۹۵) هر انجام یا عدم انجام عمل تعامل معینی در پاسخ چالش‌های موجود یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود پیامدهای خواسته یا ناخواسته‌ای پدید می‌آید. پیامدها در پژوهش حاضر شامل چهار مقوله: ۱. توسعه فردی و سازمانی، ۲. اشتغال و کارآفرینی زنان، ۳. رفاه خانواده و جامعه، ۴. ارتقای جایگاه اجتماعی زنان، است.

توسعه فردی و سازمانی: اگر راهبردهای دستیابی به اثربخشی آموزش‌های مهارتی زنان به‌خوبی عمل کنند، انتظار می‌رود تا آموزش‌های مهارتی زنان بتواند در افزایش رشد حرفه‌ای و بهبود حس خودکارآمدی و در نهایت، توسعه فردی و بهره‌وری سازمان‌هایی که آنان در آن مشغول به کار می‌شوند، مؤثر باشد. مطلعین کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده‌اند: «ورود افراد به بازار کار و دستیابی به شغل‌های پایدار و باثبات، افزایش نیروی کار خلاق و کارآمد، افزایش اشتغال مولد، بهبود فضای کسب و کار، استفاده بهینه از فرصت‌های شغلی، افزایش کارایی نیروی انسانی، و بهبود

عملکرد سازمان‌هایی که از خدمات زنان مهارت آموخته بهره برند از پیامدهای مورد انتظار غلبه بر چالش‌ها و آسیب‌های آموزش‌های مهارتی زنان می‌باشد».

اشتغال و کارآفرینی زنان: اگر راهبردهای دستیابی به اثربخشی آموزش‌های مهارتی زنان به خوبی عمل نمایند، انتظار می‌رود تا آموزش‌های مهارتی زنان بتواند موجب اشتغال و کارآفرینی آنان شود. مطلعین کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده‌اند: «یکی از دغدغه‌های دولت اثربخشی و نقش‌آفرینی زنان در عرصه تولید و اقتصاد است که در صورت رفع مشکلات مهارت‌آموزی، زنان به افراد کارآفرین تبدیل خواهند شد و در توسعه کشور نقش بسزایی خواهند داشت».

رفاه خانواده و جامعه: اگر راهبردهای دستیابی به اثربخشی آموزش‌های مهارتی زنان به خوبی عمل کنند، انتظار می‌رود تا آموزش‌های مهارتی زنان بتواند سبب افزایش درآمد و امنیت روانی خانواده آنان و رفاه جامعه و دستیابی به توسعه پایدار شود. مطلعین کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده‌اند: «مهارت‌آموزی اصولی موجب خواهد شد که افراد با روی آوردن به مهارت‌آموزی بتوانند سطح درآمد خانواده را افزایش دهند و در نهایت، به رفاه خانواده مخصوصاً رفاه روانی خانواده منجر شود، همچنین، مهارت‌آموزی صحیح که منجر به اشتغال شود در نهایت منجر به بهبود وضعیت اقتصادی خواهد شد و موجب حفظ کرامت انسانی خواهد بود و جامعه را به یک جامعه پویا و فعال تبدیل خواهد کرد».

ارتقای جایگاه اجتماعی زنان: اگر راهبردهای دستیابی به اثربخشی آموزش‌های مهارتی زنان به خوبی عمل کنند، انتظار می‌رود تا آموزش‌های مهارتی زنان بتواند موجب بروز توانمندی‌های آنان در جامعه شده و جایگاه اجتماعی آنان را ارتقا بخشد. مطلعین کلیدی درباره آن چنین اظهار کرده‌اند: «با مهارت‌آموزی و ورود زنان به عرصه کسب و کار نقش اجتماعی زنان در جامعه ارتقا خواهد یافت. زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی کشور نقش خواهند داشت».

در نهایت، می‌توان گفت «مطالعه اثربخشی آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز فنی حرفه‌ای نائین» هدف اصلی پژوهش حاضر بود. مدل پارادایمی حاکی از آن است که پدیده اصلی جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان تحت تأثیر عواملی از قبیل: آمایش و برنامه‌ریزی، توجه به سهم و نقش زنان در جامعه، توجه به علاقه، انگیزه و روحیات زنان، و حرفه‌مندی مربیان ایجاد شده و

بدون وجود و کارکرد درست آن‌ها دست‌یابی به جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان ممکن نمی‌باشد. در این میان، استراتژی‌هایی از دیدگاه مطلعین کلیدی و با عنایت به تجربیات و ادراک آنان از وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دست آمد که تبلیغات و آگاه‌سازی، ارتباطات و بهره‌گیری از تجارب داخلی و بین‌المللی، مشاوره و راهنمایی و استعدادیابی، و حمایت خانواده و دولت بود. این راهبردها در جایگاه، اهمیت و کیفیت آموزش‌های مهارتی زنان دارای نقش شایان توجهی هستند. ولی جهت استقرار و پیاده‌سازی این راهبردها نباید از نقش شرایط محیطی از قبیل محیط فرهنگی اجتماعی، محیط سیاسی، محیط سیاست‌گذاری، و محیط اقتصادی و همچنین، نقش ویژگی‌های زمینه‌ای مانند امکانات و تجهیزات و تکنولوژی، ساختار و مدیریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مالیه آموزش‌های مهارتی، محیط و اقتصاد خانواده، و قوانین و مقررات غافل شد. در نهایت، با وجود این کنش‌ها و واکنش‌ها و با دستیابی به جایگاه، اهمیت و کیفیت مهارت‌آموزی زنان باید منتظر پیامدهایی مانند توسعه فردی و سازمانی، اشتغال و کارآفرینی زنان، رفاه خانواده و جامعه، و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان باشیم.

برخی محدودیت‌های پژوهش عبارت‌اند از عدم بهره‌مندی از نظرات سیاست‌گذاران؛ با توجه به نقش تأثیرگذار سیاست‌گذاران، شاید وجود نظرات آنان مدل و استنباطات دیگری را ایجاد کند. فراهم‌نبودن شرایط برای برگزاری مصاحبه‌های جمعی به صورت گروه‌های کانونی برای گردآوری داده‌های دقیق‌تر، نیز یکی از محدودیت‌های این پژوهش بود.

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهادات کاربردی عبارت‌اند از تبلیغات و آگاه‌سازی در زمینه جایگاه و اهمیت آموزش‌های مهارتی زنان در دستور کار سیاست‌گذاران این بخش قرار گیرد؛ امکانات، تجهیزات و تکنولوژی به‌روز در اختیار مرکز فنی و حرفه‌ای نایین (واحد خواهران) قرار گیرد؛ برقراری ارتباط با سایر مراکز فنی و حرفه‌ای داخلی و خارجی و بهره‌گیری از تجارب داخلی و بین‌المللی در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد؛ خدمات مشاوره، راهنمایی و استعدادیابی به دختران از دوره دبیرستان ارائه شود؛ آموزش مربیان در دستور کار قرار گیرد؛ قوانین و مقررات این حوزه بازنگری شود؛ حمایت‌های لازم از آموزش‌های مهارتی زنان از سوی دولت به عمل آید؛ و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس آمایش سرزمینی انجام شود.

منابع

- احمدی، حجت، و آتشک، محمد (۱۳۹۱). نیازسنجی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط با زیست‌فناوری در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ایران. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱، ۱۸۰-۱۶۱.
- استراوس، آنسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۹۵). *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: نشر دیدار.
- تصدیقی، محمدعلی (۱۳۸۱). مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش با تأکید بر نگرش روابط انسانی. *مدیریت در آموزش و پرورش*، ۳۱، ۱۲-۱.
- خالدی، محمد، و رفعتی، محسن (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیر رسمی بر اشتغال. *مهارت‌آموزی*، ۱(۱)، ۸۵-۷۱.
- خلاق، علی اصغر (۱۳۹۱). ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا: درس‌هایی برای اصلاح آموزش فنی و حرفه‌ای ایران. *نوآوری‌های آموزشی*، ۵، ۸۴-۶۷.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۹). درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران. *آمایش سرزمین*، ۲(۲)، ۲۶-۵.
- خواجه شکوهی، علیرضا، عباسی، مصیب، و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۹۱). بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال نیروهای آموزش دیده استان گلستان. *مهارت‌آموزی*، ۱(۱)، ۱۱۶-۱۰۳.
- دفت، ریچارد ال. (۱۳۸۶). *مبانی تئوری و طراحی سازمان*. ترجمه پارسائیان و اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ربیعی، علی، و خادمی ورنامخواستی، نجمه (۱۳۹۳). موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور (مطالعه موردی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان تهران). *مهارت‌آموزی*، ۷، ۵۱-۲۵.

سپه پناه، مرجان، فرشادیان، محمدمسعود، ایمانی، احسان، و ظاهری، حمید (۱۳۹۴). بررسی وضعیت اشتغال مهارت دانش‌آموختگان سازمان فنی و حرفه‌ای در بخش صنعت پس از اتمام دوره آموزشی (مطالعه موردی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان کرمانشاه). *مهارت/آموزی*، ۱۳، ۱۵۰-۱۳۵.

سلیمی، جمال (۱۳۹۳). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نیروی انسانی و کارآفرینی (مطالعه موردی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان کردستان). *مهارت/آموزی*، ۸، ۲۴-۷.

شفیعی، مسعود، و آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳). همکاری دانشگاه و صنعت. *دایره‌المعارف آموزش عالی*، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

عطارنیا، احمد، خنیفر، حسین، رحمتی، محمدحسین، و جندقی، غلامرضا (۱۳۹۳). بررسی وضعیت تدوین خط‌مشی در نظام غیر رسمی آموزش مهارتی ایران. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۲(۲)، ۳۴۵-۳۷۴.

علی‌آبادی، شادی (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در عدم گرایش دانش‌آموزان دختر نسبت به ادامه تحصیل در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در شهر تهران سال تحصیلی ۹۱-۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران؛ مدلی برآمده از نظریه مبنایی (GT)، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴(۵۰)، ۹۵-۶۷.

کاووسی، طهماسب (۱۳۸۷). رابطه آموزش‌های کار و دانش و فنی و حرفه‌ای با اشتغال در آذربایجان شرقی. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، ۱(۱)، ۹۳-۸۳.

کرمی دهکردی، اسماعیل، و بابائی، رقیه (۱۳۹۶). نیازهای دانشی و اجتماعی زنان روستای قزل‌تپه علی‌قلی استان زنجان برای مدیریت جامع حوضه آبخیز. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۲)، ۲۶۴-۲۴۱.

گال، مردیت، بورگ، والتر، و گال، جوئیس (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. *جلد دوم، ترجمه جمعی از مؤلفان زیر نظر دکتر احمدرضا نصر اصفهانی*، تهران: سمت.

نادری، ابولقاسم (۱۳۸۳). *اقتصاد آموزش*. تهران: نشر یسپرون.

نسل سراجی، جبرئیل، جهان‌دیده، اصغر، اجاقی، علی‌محمد، و جمعه‌ای، مرضیه (۱۳۹۶). آمایش سرزمینی آموزش عالی سلامت در جمهوری اسلامی ایران. *طب و تزکیه*، ۲۶(۱)، ۳۲-۲۱.

نوغانی دخت بهمنی، محسن، برادران کاشانی، زهرا، کرمانی، مهدی، و اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۳). توانمندسازی مهارت‌محور کارگران خدماتی زن (مطالعه‌ای کیفی در مراکز اقامتی شهر مشهد). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲(۳)، ۳۶۳-۳۸۶.

نویدی، احمد، و برزگر، محمود (۱۳۹۱). ارزشیابی دوره‌های کاردانی آموزش فنی و حرفه‌ای. *نوآوری‌های آموزشی*، ۴۲، ۱۸۶-۱۶۱.

نیازآذری، کیومرث، اسماعیلی شاد، بهرنگ، و ربیعی دولابی، مجید (۱۳۹۰). *سیاست‌گذاری و فرایند خط‌مشی عمومی در نظام آموزشی*. قائم شهر: انتشارات مهرالنبی.

- Ayub, H. (2017). Parental influence and attitude of students towards technical education and vocational training. *International Journal of Information and Education Technology*, 7(7), 534-538.
- Creswell, J., & Miller, D. (2000). Determining validity in qualitative inquiry'. *Theory into Practice*, 39(3), 124-130.
- Deutscher, V., & Winther, E. (2018). Instructional sensitivity in vocational education. *Learning and Instruction*, 53, 21-33.
- Forster, A. G., & Bol, T. (2018). Vocational education and employment over the life course using a new measure of occupational specificity. *Social Science Research*, 70, 176-197.
- Garbujia, B. P., & Pasa, R. B. (2016). Role of technical and vocational education and training in women empowerment: A Case from Bima VDC of Myagdi District, Nepal. *Training and Development*, 2, 33-41.
- Goel, D., & Vijay, P. (2017). Technical and vocational education and training (TVET) system in India for sustainable development. *Bonn, UNEVOC*.
- Hartl, M. (2009). Technical and vocational education and training (TVET) and skills development for poverty reduction—do rural women benefit. *International Fund for Agricultural Development, Italy*.
- Jabarullah, N. H., & Iqbal Hussain, H. (2019). The effectiveness of problem-based learning in technical and vocational education in Malaysia. *Education + Training*, 61(5), 552-567.
- Leyaro, V., & Joseph, C. (2019). Employment Mobility and Returns to Technical and Vocational Training: Empirical Evidence for Tanzania (No. 2019-03).
- Lu, P. W., Hill, S. S., Fields, A. C., Davids, J. S., & Melnitchouk, N. (2020). Factors Associated With the Professional Success of Female Surgical Department Chairs: A Qualitative Study. *JAMA Surgery*, 155(11), 1028-1033.
- Ojimba, D. P. (2012). Vocational and technical education in Nigeria: issues, problems and prospects' dimensions (IPP). *Educational and Social Research*, 2(9), 23-30
- Pandey, A., Gupta, N., Pandey, A., & Singh, S. (2017). Impact of vocational training on

- value addition in knowledge and adoption of rural women. *Indian Journal of Extension Education*, 53(3), 36-39.
- Sulaiman, N. L., Salleh, K. M., Mohamad, M. M., & Sern, L. C. (2015). Technical and vocational education in Malaysia: policy, leadership, and professional growth on Malaysia women. *Asian Social Science*, 11(24), 153-161.
- Wu, Y., & Hu, J. (2015). Skill learning attitudes, satisfaction of curriculum, and vocational self-concept among junior high school students of technical education programs. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 174, 2862 – 2866.
- Yusuff, M. A., & Soyemi, J. (2012). Achieving sustainable economic development in Nigeria through technical and vocational education and training: The missing link. *Academic Research in Business and Social Sciences*, 2(2), 71-77.

